روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳ پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
وطن امروز

ادبیات

دست خالی رمان‌نویسان در جایزه جلال

آیین اختتامیه دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد در حالی در کتابخانه ملی برگزار شد که بخش رمان و داستان بلند، هیچ برگزیده‌ای نداشت.

به گزارش «وطن امروز»، هیأت داوران دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد برگزیدگان این رویداد ادبی را معرفی کرد.

در بخش «نقد ادبی» ۲ کتاب برگزیده و یک کتاب شایسته تقدیر شدند؛ کتاب‌های «نظریه و نقد ادبی» اثر حسین پاینده و «بومی‌سازی رئالیزم جادویی» اثر محمد و محسن حنیف به طور مشترک به عنوان اثر برگزیده این بخش انتخاب و معرفی شدند. همچنین کتاب «درباره مانایی و مینایی» از احمد شاکری به عنوان اثر شایسته تقدیر شناخته شد.

در بخش داستان کوتاه، هیات داوران اثری را برگزیده اعلام نکرد و مجموعه داستان «افتاده بودیم در گردنه حیران» شایسته تقدیر اعلام شد.

در بخش رمان و داستان بلند، هیات داوران کتاب «دور زدن در خیابان یکطرفه» اثر محمدرضا مرزوقی و کتاب «وضعیت بی‌عاری» اثر حامد جلالی را شایسته تقدیر معرفی کرد.

در بخش مستندنگاری، «قطارباز» اثر احسان نوروزی شایسته تقدیر شناخته شد و کتاب «نقاشی قهوه‌خانه» اثر محسن کاظمی عنوان برگزیده را به دست آورد.

سینما

«کارو» در راه جشنواره فیلم فجر

فیلمبرداری فیلم سینمایی «کارو» به کارگردانی احمد مرادپور و تهیه‌کنندگی حسین صابری به نیمه رسید.

به گزارش «وطن امروز»، فیلم «کارو» که پیش از این در لوکیشن شهر خلخال جلوی دوربین رفته بود، در حال حاضر در لوکیشن شهر سرعین اردبیل فیلمبرداری خود را پشت سر می‌گذارد.

فیلم سینمایی «کارو» محوریتی زنانه داشته و تاکنون نخستین فیلمی است که با محوریت یک زن در سال ۹۸ تولید می‌شود.

مریلا زارعی، پیمان مقدمی و علی پاینده از جمله بازیگران فیلم سینمایی «کارو» هستند.

در خلاصه داستان این فیلم سینمایی آمده است: «کارو نوجوان کرمانشاهی بعد از سال‌ها تمرین به تیم‌ملی کشتی دعوت می‌شود اما او...»

این فیلم که اثر سازمان هنری- رسانه‌ای اوج و اولین محصول «مرکز فیلم و سریال عصر» است، در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی می‌شود.

تلویزیون

واکنش علیخانی به دستمزد بالای برگزیدگان «عصر جدید»

مجری و تهیه‌کننده برنامه «عصر جدید» گفت: معمولاً وقتی کاری در تلویزیون می‌گیرد، مشابه شاکله آن زیاد رخ می‌دهد ولی «عصر جدید» خیلی کار سختی است.

به گزارش «وطن امروز»، احسان علیخانی درباره افزایش ساخت مسابقه‌های استعدادیابی بعد از پخش «عصر جدید» و اینکه چه رویکردی باید در آنها وجود داشته باشد تا بومی باشند، اظهار کرد: دوستی به من گفت چرا ماه‌عسل را رها کردی؟ گفتم اینقدر برنامه‌های مشابه ماه عسل زیاد شد که به نظرم ذائقه مخاطب داشت پر می‌شد و درواقع سرریز می‌شد و پرسید عصر جدید را کی رها می‌کنی؟ که جواب دادم وقتی تلنت‌شو در تلویزیون زیاد شود. معمولاً وقتی کاری در تلویزیون می‌گیرد، مشابه شاکله آن زیاد رخ می‌دهد ولی «عصر جدید» خیلی کار سختی است. علیخانی در پایان درباره این شایعه که شنیده شده است برخی هنرمندان این برنامه دستمزدهای بالایی برای حضور در دیگر برنامه‌های تلویزیونی درخواست می‌کنند به مهر گفت: من اطلاعی ندارم ولی یکی از دلایلی که این برنامه ساخته شد، برای این بود که این بچه‌ها استعدادهای‌شان دیده شود، بروند کار کنند و اتفاقاً پول در آورند. اینکه خودشان چقدر عدالت داشته باشند و منصف باشند دیگر دست خودشان است. من خیلی در جریان کم و کیف ماجرا نیستم.

موسیقی

تیر شایعه‌سازان به سنگ خورد!

در چند روز گذشته شایعاتی مبنی بر ممنوع‌الصدا بودن محسن چاوشی مطرح شده بود که با پخش آثار چاوشی در رسانه ملی این شایعه بی‌اساس خوانده شد.

به گزارش «وطن امروز»، پخش صدای محسن چاوشی در برنامه «سلام صبح بخیر» شبکه سوم نشان داد که شایعه ممنوع‌الصدا بود این خواننده صحت ندارد.

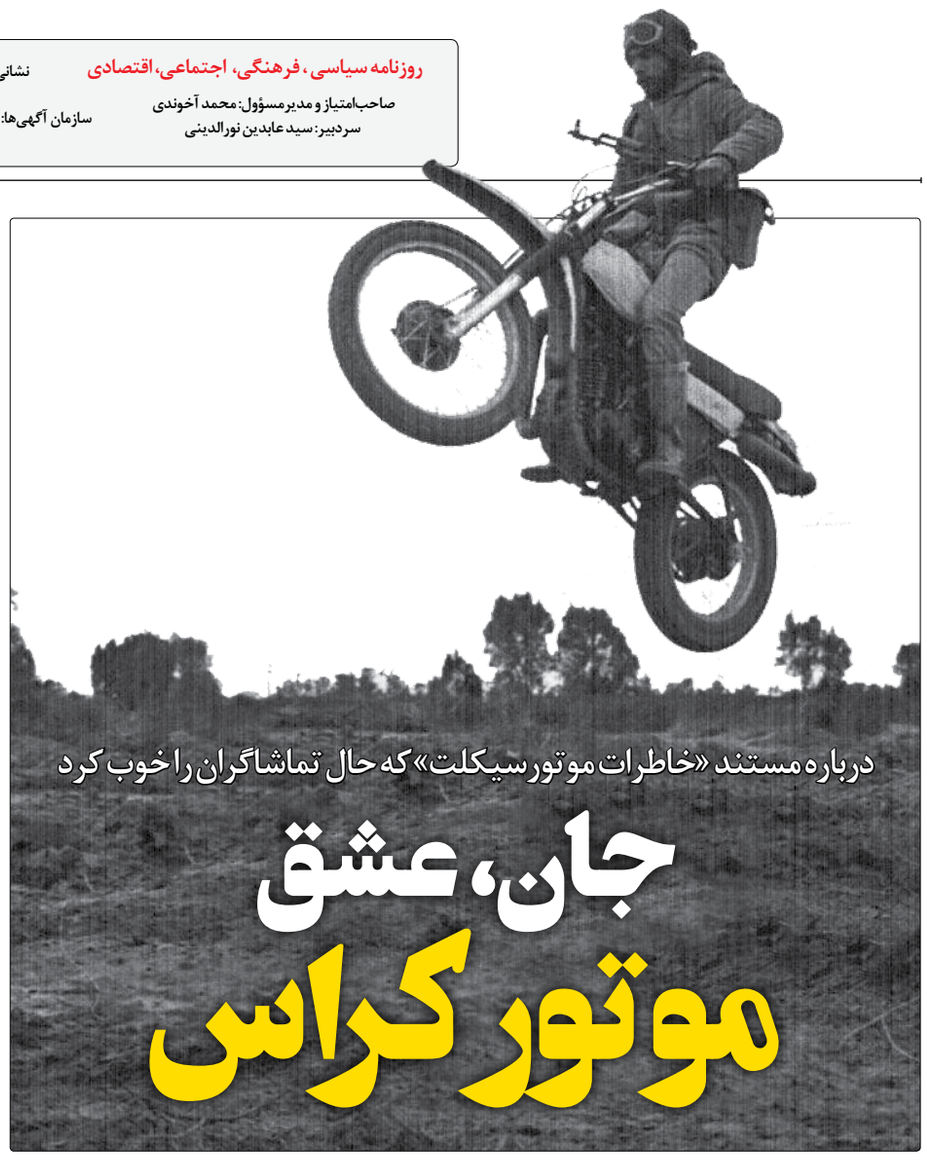

درباره مستند «خاطرات موتورسیکلت» که حال تماشاگران را خوب کرد

جان، عشق موتور کراس

سجاد بلوکات: فیلم خوب مثل زندگی خوب می‌ماند. مثل زندگی‌ای که منتج به عاقبت به خیری می‌شود. زندگی خوب هم گریه دارد، هم خنده؛ هم شکست دارد، هم پیروزی؛ و در آخر قهرمان دارد. اگر بخواهم ۲ خطی «خاطرات موتورسیکلت» را برای کسی تعریف کنم، بدون لو دادن خط داستان حتما از جمله بالا استفاده می‌کنم. «خاطرات موتورسیکلت» البته نام کتاب ارنستو چه‌گوآرا نیز هست که مستندساز خواسته یا ناخواسته ادای دینی هم کرده به این کتاب که خاطرات سفر چه‌گوآرا با موتوسیکلت همراه آلبرتو گراندو در ۱۹۵۲ به کشورهای آمریکای لاتین است. مستند تصویر شده اما بخشی از خاطرات کتاب «کوچه نقاش‌ها»ست که در برنامه ماه‌عسل هم برخی شاهدان عینی، ماجرای این مستند را بیان کردند. اما چه می‌شود که این مستند همه‌گیر است، حرفش را بدون لکنت می‌زند و وقتی تیتراژ آخر می‌آید، حال بیننده خوب است. باید بگویم تلاش مستندساز برای نزدیک شدن به آدم‌های معمولی و به قول معروف نچسب به جنگ که در گیرودار خمپاره و آتش قهرمان شدند، جواب داده است. دوربین همانقدر راحت است که مصاحبه شونده‌ها راحت هستند.

■ **مستند چه می‌گوید؟**

[اگر مستند را ندیده‌اید و نگران لو رفتن داستان هستید، به نظرم چند خط ادامه را نخوانید و از پاراگراف بعدی شروع کنید!]

«خاطرات موتورسیکلت» داستان جوان‌های موتور کراس‌باز است؛ همان عشق موتورهایی که به گفته خودشان جلوی دخترها تک چرخ می‌زنند و می‌پرند. اصلا همین ریزه‌کاری‌هاست که مرد را از نامرد مشخص می‌کند و چمران عارف مسلک را برای دیدن‌شان در جنگ راهی پیست موتورسواری می‌کند. بله! درست فهمیدید! چمران به آنجا می‌رود تا یک پیشنهاد عجیب بدهد. حضور موتورسوارها در جنگ! چرا؟ چون نیاز منطقه ایجاب می‌کند موتورسوارهای سریع و چابک برای رفتن از مناطق صعب‌العبور در جنگ حاضر شوند. آنهایی که بلدکار هستند باید بیایند، شاید چهره‌شان خیلی به فضای جبهه نخورد اما دم مسیحایی چمران را دست‌کم نگیرید.

■ **من از تو رسیدم به باور تو**

هنوز بعد ۳۰ سال آقای موتورسوار وقتی از موتورهای ۲۵۰ گوجه‌ای آکبند هوندا که چمران زین کرده برای‌شان در دفتر نخست‌وزیر تهران آماده کرد صحبت می‌کند، آب از دهانش راه می‌افتد. عشق است دیگر! به قول خودش عشق این موتورها ما را با خودش تا اهواز برد. به قول شاعر تیتراژ سریال ارمغان تاریکی: من از تو رسیدم به باور تو. این بچه‌ها از عشق موتور، رسیدند به گنج جنگ. راه‌های رسیدن به خدا بسیار است، یکی همین موتور کراس. حالا اینکه اینها چه کردند و چه مدال‌های شجاعت که در جنگ گرفتند باید ببینید و بخندید و گریه کنید همراه «خاطرات موتورسیکلت».

■ **چرا مخاطب احساس خستگی نمی‌کند؟**

مستند با علامت سوال شروع می‌شود. کات‌های موازی بین موتورسواران امروز در پیست با یک موتورسوار خسته با موتوری درب و داغان. اولین سوال این است: او کیست؟ سوالی که در ۱۰ دقیقه اول پررنگ‌تر می‌شود و حس کنجکاوی را برمی‌انگیزد اما از یک جایی به بعد می‌فهمیم قهرمان اصلی اصلا حرف نمی‌زند. «جلیل پاکوتاه» شجاع‌ترین کاراکتر مستندساز، بعد حادثه‌ای که نقطه اوج مستند است و در آخر گزارش به آن اشاره می‌کنم، دیگر حرف نمی‌زند. دایره واژگان زبانی جلیل محدود می‌شود به «خب» و «نه» و یکسری آوای غیر قابل فهم. و چه چیز دراماتیک‌تر از اینکه قهرمان فیلمت حرف نزند و اصلا نخواهد هم بزند. شاهدان عینی «خاطرات موتورسیکلت» جلوی دوربین راحت هستند و دوربین هم کنار آنها راحت است. ایده مستندساز برای نشان دادن بخش‌های عادی مصاحبه مثل سفارش دادن کباب توسط معاون چمران برای تیم مستندساز یا سیگار کشیدن او یا تیغ گرفتن از ماهی توسط دوست جلیل حین مصاحبه، یک ایده جالب برای نزدیکی بیشتر مخاطبان و قهرمانان عادی مستند است و باعث از بین رفتن فاصله بین فیلم و تماشاگر می‌شود.

■ **عیب وی جمله چو گفتی، هنرش نیز بگوی**

حق بدهید به مخاطب خسته از اظهارات اتوکشیده ژنرال‌ها درباره جنگ در تلویزیون- که بعضی وقت‌ها ناظر پخش‌ها هم بی‌حوصله و بنا بر وظیفه سازمانی این مستندها را تحمل می‌کنند- وقتی از موتورسواران می‌شنود «اطرافیان چمران به ما گیر می‌دادند و ما باهاشون درگیر می‌شدیم و آخر سر آقا چمران می‌گفت این لوطی‌ها رو کار نداشته باشید»، این صداقت به دلش بنشیند. هر چند عیب بخشی از این بچه‌ها را نشان می‌دهد اما این صداقت باعث می‌شود داستان قهرمانی‌های عجیب این بچه‌ها هم باورپذیر شود و این را می‌توان به حساب نگاه باز تیم کارگردانی و تهیه‌کنندگی دید که بالاخره بعد از سال‌ها یاد گرفتیم که همه فرشته نیستند، البته از یک جایی به بعد فرشته می‌شوند.

■ **رقصی چنین میانه میدانم آرزوست**

جلیل پاکوتاه قهرمان صامت فیلم در اوج داستان مستند به مأموریتی در دل دشمن می‌رود همراه یکی از رزمنده‌های چمران برای نابودی یا بازپس‌گیری یک دستگاه مکانیزه جنگی گمانم نفربر؛ مأموریتی سخت و غیرممکن. رزمنده از سختی مأموریت می‌گوید و اینکه نیاز به یک موتورسوار چابک دارد. جلیل پیش‌قدم می‌شود و به جاده می‌زنند. به نقطه‌ای می‌رسند که محموله دزدیده شده را می‌بینند اما بین انبوهی از نیروهای دشمن؛ شبیه سوزنی در کاه. به این راحتی‌ها نمی‌شود غنیمتی را کوفت عراقی‌ها کرد. باید نقشه‌ای کشید و جلیل نقشه دارد...

جلیل می‌گوید من با موتور می‌روم آن سوی خاکریز تا بعثی‌ها من را ببینند و من حسابی سرگرم‌شان می‌کنم تا تو نزدیک بشوی و شلیک کنی. به گفته دوست جلیل، اوج شیرین‌کاری و تک‌چرخ و پرش جلیل نه در پیست موتورسواری که در دل آتش آن روز بود؛ جلیل سیبل آتش می‌شود و رزمنده کار غنیمتی را یکسره می‌کند و تمام. عملیات موفقیت‌آمیز بود. جلیل بعدها خمپاره می‌خورد و تا مرز شهادت می‌رود اما بخار نقش بسته روی پلاستیک‌هایی که شهدا را در بین آنها می‌پیچند، باعث زنده ماندن جلیل می‌شود. اما این بار با یک دست و پای لمس و زبانی الکن. جلیل اما هنوز که هنوز است با موتور تغییر داده و دست‌سازش موتورسواری می‌کند و تعمیرگاه موتور و آپاراتی دارد بدون یک بار سرزدن به بنیاد شهید. جان کلام به قول کیمیایی در فیلم مرسدس: «به این ماشینم دل نبند. یه روزی می‌شه عینهو اینا. اصلا به چیزی که دل نداره دل نبند. می‌شه جسد!» اما این موتورها که آهن‌پاره نیستند، قلب دارند، حال دارند. اینها وارث ذوالجناح و دلدل هستند. اینها اسب جنگی ما هستند.

برای شمایی که حال خواندن این هزار کلمه را ندارید!

■ چه می‌گوید: داستان باحال و کف خیابانی و کلیشه‌زدا از قهرمانان نادیده دفاع‌مقدس؛ در یک کلمه عالی!

■ فیلمنامه: شکست زمانی و استفاده از عنصر تعلیق و روایت گرم از موضوع سخت جنگ؛ در یک کلمه خوب!

■ ساختار: دنبال ایده‌های نوآورانه و قاب‌های متفاوت و کمیک‌موشن و بازسازی و از این دست کارها در این مستند نباشید، اصلا به دردش هم نمی‌خورد اما گفت‌وگوی رو به دوربین زیاد است و اگر لحن مصاحبه‌شونده‌ها اینقدر جالب نبود قطعا ریتم مستند می‌افتاد؛ در یک کلمه متوسط.

■ ببینیم؟ حتما ببینید! نمی‌دانم کی به VOD می‌آید و وقتی این گزارش چاپ شد هنوز سانس دارد در جشنواره حقیقت یا خیر اما دیدنش از خیلی از فیلم‌های سینمایی روی پرده بیشتر توصیه می‌شود.

■ جایزه می‌گیرد؟ به نظرم می‌گیرد. جشنواره حقیقت‌پسند است و در گروهی که قرار دارد (جایزه شهید آوینی) خیلی هم به اسم گروهش می‌آید. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.

امیرحسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت» در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

تحسین فراستی غافلگیرم کرد!

تنوع تماشاگران «خاطرات موتورسیکلت» مثل تنوع دوستداران شهید چمران است

گروه فرهنگ و هنر: مستند «خاطرات موتورسیکلت» در اولین اکران خود در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» که چهارشنبه‌شب (۲۰ آذرماه) رقم خورد، توانست نگاه مخاطبان و منتقدان را جلب کند و نظر مثبت آنها و البته استقبال اهالی رسانه و خانواده ایثارگران و شهدای دفاع‌مقدس را با خود همراه کرد. در اولین شب اکران این فیلم، جمعی از رزمندگان و خانواده‌های آنان و برخی قهرمانان موتورسواری در جنگ از جمله «جلیل نقاد» معروف به «جلیل پاکوتاه» نیز حضور داشتند. جلیل نقاد و امیرحسین نوروزی، کارگردان فیلم، پس از پایان نمایش در مراسم کوتاهی که مسعود فراستی به عنوان داور بخش شهید آوینی جشنواره سینماحقیقت نیز در آن حضور داشت، مورد تشویق تماشاگران قرار گرفتند. در این مراسم مسعود فراستی در صحبت‌های کوتاهی درباره این فیلم گفت: «حال من خوب است چون فیلم خوب دیده‌ام. وقتی به همه شما نگاه می‌کنم می‌بینم حال همه شما هم خوب است، چرا که امیرحسین کارش را بلد است و اگر او به کارش باور نداشت و این کار را بلد نبود، نمی‌توانست آن را به شما منتقل کند».

در همین ارتباط امیرحسین نوروزی در گفت‌وگویی با «وطن امروز» درباره اینکه آیا خود او هم توقع چنین استقبالی را از نمایش این فیلم در جشنواره داشته است، گفت: با توجه به اینکه فیلم در بخش جنبی جشنواره یعنی مسابقه شهید آوینی نمایش داده می‌شود و معمولاً نگاه رسانه‌ها و تماشاگران به بخش اصلی معطوف است، باید بگویم از لحاظ کمیت تماشاگر انتظار چنین استقبالی را نداشتم. با این حال با عنایت به زحمات عوامل در ۳-۲ سال اخیر از جمله آقای سامان مختاری و خانم محدثه عارفی که کار تدوین را به عهده داشتند، می‌دانستم خروجی کار با کیفیت خواهد بود و خدا را شکر می‌کنم که مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفت. بخش عمده زحمات پیش‌تولید و البته طرح اولیه مستند به عهده آقای سامان مختاری بود که از سال ۱۳۹۵ آن را شروع کردند اما کار تولید و فیلمبرداری در سال‌های ۹۶ و ۹۷ انجام شد.

وی با اشاره به اینکه این دوره از جشنواره حقیقت، اولین جشنواره‌ای است که «خاطرات موتورسیکلت» اکران شده است، افزود: در چند نمایش خصوصی که پیش از حضور در جشنواره داشتیم تا اندازه‌ای به این نتیجه رسیده بودیم که به برکت موضوع فیلم که درباره شهدا و رزمندگان است، نتیجه خوبی خواهیم گرفت. پس از پایان نمایش در اولین شب اکران با اینکه ساعت حدود ۱۲ شب بود اما شاید ۸۰ درصد تماشاگران در سالن مانده بودند تا صحبت‌های من و تعدادی از موتورسواران حاضر در فیلم را بشنوند. این برای من جالب بود و جای خوشحالی داشت.

کارگردان مستند «خاطرات موتورسیکلت» با اشاره به اظهارنظر مثبت فراستی در اکران این فیلم نیز گفت: ایشان منتقد سخت‌گیری هستند و به صراحت لهجه مشهورند. هر فیلمی را نمی‌پسندند و اگر فیلمی ضعیف باشد صراحتاً اعلام می‌کنند. اینکه نظر مثبت خود را درباره «خاطرات موتورسیکلت» بیان کردند برای من جالب و غافلگیرکننده بود. فکر می‌کنم دلیل اصلی اینکه آقای فراستی و البته تعداد زیادی از مخاطبان از حال خوب خودشان پس از تماشای این فیلم گفتند بیش از تکنیک و ساختار، به فضا و روح حاکم بر آن بازمی‌گردد که متعلق به ایثارگران و رزمندگان است.

نوروزی در پاسخ به این پرسش که آیا «خاطرات موتوسیکلت» ظرفیت تبدیل شدن به یک فیلم بلند داستانی را نیز دارد، گفت: این را باید صاحبنظران در عرصه فیلمنامه‌نویسی و کارگردانان سینمای داستانی بگویند. من خودم را صاحبنظر نمی‌دانم اما به عنوان یک علاقه‌مند و کسی که در حوزه سینما درس خوانده است فکر می‌کنم ریشه‌های جدی برای پرداختن به یک فیلمنامه سینمایی در این قصه وجود دارد.

وی درباره اینکه تا پیش از نمایش فیلم برخی تماشاگران و منتقدان منتظر نمایش یک مستند با موضوعی شبیه فیلم «اخراجی‌های یک» بودند، گفت: قصه آدم‌های این مستند با اخراجی‌ها کاملاً متفاوت است. بافت فکری، فرهنگی و اجتماعی موتورسوارانی که با شهید چمران به جبهه رفتند یکدست نیست. در «خاطرات موتورسیکلت» اصلاً دنبال این موضوع نبودیم که نشان دهیم این آدم‌ها افراد خاصی هستند و از فضای جبهه و جامعه پرت هستند. در نهایت می‌خواهیم بگوییم اینها در قضاوت اولیه ما افراد سلحشور و مبارزی نبودند، در حالی که می‌بینیم در شخصیت شهید مصطفی چمران گوهری وجود دارد که برخلاف بقیه مردم، این‌گونه افراد را از روی ظاهر قضاوت نمی‌کند و از آنها یک قهرمان و مدافع کشور و مملکت می‌سازد.

نوروزی حمایت خانه مستند انقلاب اسلامی و سازمان هنری- رسانه‌ای اوج به عنوان تهیه‌کننده این اثر را بسیار خوب ارزیابی کرد و افزود: مهم‌ترین مزیت همکاری با سازمان هنری- رسانه‌ای اوج در این سال‌ها برای من این بود که همواره به تشخیص حرفه‌ای من برای مدت زمانی که برای تولید یک فیلم لازم است احترام گذاشتند. «زمان» مسأله مهمی در شکل‌گیری و جا افتادن یک اثر هنری است. دوستان من در سازمان اوج هیچ‌گاه در این‌باره و موارد دیگر به لحاظ تخصصی من را تحت فشار نگذاشتند و این بهترین کمک از سوی نهاد تهیه‌کننده برای تولید با کیفیت یک اثر هنری است.

کارگردان «خاطرات موتورسیکلت» در انتها درباره بازخورد تماشاگران در اولین شب نمایش این فیلم نیز گفت: در آن شب که روی سن و در مقابل تماشاگران قرار گرفتم، برایم جالب بود که مخاطبان این فیلم مثل علاقه‌مندان شهید چمران و جهان این شهید بزرگوار، رنگارنگ و از طیف‌های مختلف بودند. شهید چمران با تکیه بر سرالاسرار عالم یعنی محبت و با احترام گذاشتن به همگی و به رسمیت شناختن آنها، افراد را جذب کرده و از زندگی روزمره متوجه آرمان‌های والا می‌کرد؛ اینکه تماشاچیان این مستند هم از طیف‌های مختلف فکری و با پوشش‌ها و تیپ‌های مختلف بودند برای من خوشحال‌کننده بود. ضمن اینکه یک درس جدی هم برایم داشت که باید در آثار مستند نکاتی را رعایت کنم که از طریق آن از این مرزبندی‌های ظاهری و جزئی فاصله بگیریم و همدیگر را درک کنیم.

پس از استقبال از نسخه تلویزیونی اثر محمد کیانی

حکایت‌های کمال به بازار کتاب آمد

مجموعه «حکایت‌های کمال» با تصویرگری محمدحسین صلواتیان توسط انتشارات «به‌نشر» منتشر شد؛ اثری که روایتگر ۱۵۰ قصه کوتاه در دهه ۴۰ است که در ۵ جلد جمع‌آوری شده است. این حکایت‌ها که یادآور دوران نوجوانی و خاطرات زندگی محمد میرکیانی در تهران قدیم است، با لحنی شیرین، نوجوانان را با سبک زندگی دهه‌های گذشته آشنا می‌کند و یادآور خاطرات روزهای کودکی و نوجوانی والدین آنهاست. سریال پرمخاطب «حکایت‌های کمال» که این شب‌ها از شبکه دوم سیما در حال پخش است نیز برگرفته از این مجموعه داستان است و استقبال بالایی از سوی مخاطبان از آن صورت گرفته است.

نظر داروغه‌زاده درباره حضور فیلم‌های مجیدی و فتحی در جشنواره فیلم فجر

مست عشق پروانه ساخت ندارد

داروغه‌زاده درباره حضور فیلم‌های کارگردانان شاخصی چون حسن فتحی و مجید مجیدی در جشنواره امسال اظهار کرد: فیلم حسن فتحی در حال فیلمبرداری است و اصلا به جشنواره نمی‌رسد. ضمن اینکه در ایران هم مجوز ساخت ندارد.

آقای مجیدی هم فرم ثبت‌نام پر کرده اما همچنان در حال فیلمبرداری است. ما که نباید تلاش کنیم، بلکه تولیدکنندگان باید تلاش کنند تا فیلم‌شان به جشنواره برسد. ما دوست داریم همه آثار فاخر و خوب چه از سوی کارگردان مطرح باشد چه نباشد در جشنواره حضور داشته باشد.

نامزدهای جشنواره «سینماحقیقت» معرفی شدند

خسوف با ۶ عنوان نامزدی در صدر حقیقت

نامزدهای دریافت جایزه بخش مسابقه ملی سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» معرفی شدند. به گزارش «وطن امروز»، در جمع این اسامی، مستند «خسوف» به کارگردانی محسن استادعلی با ۶ عنوان نامزدی در صدر قرار گرفته است. «جایی برای فرشته‌ها نیست» ساخته سام کلانتری و «تنها چند متر» به کارگردانی حجت طاهری با ۵ عنوان نامزدی، حائز رتبه دوم شده‌اند و «گلوله‌باران» مرتضی پایه‌شناس هم در ۴ رشته نامزد شده و در این فهرست، در مکان سوم قرار گرفته است. بر این اساس در رشته بهترین کارگردانی مستند کوتاه، آبشار (علی شهابی‌نژاد)، آهسته و آرام (دلاور دوستانیان)، پنهان (شیرین برق‌نورد)، تنها چند متر (حجت طاهری) و دموکراسی (تورج کلانتری)، در رشته بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند، آدور (محمدصادق اسماعیلی)، چشم‌ها و دست‌ها (پناه‌برخدا رضایی)، کاغذپاره‌ها (بهزاد نعلبندی) و گلوله‌باران (مرتضی پایه‌شناس، حسین مؤمن)، در رشته بهترین کارگردانی مستند بلند، جایی برای فرشته‌ها نیست (سام کلانتری)، خسوف (محسن استادعلی)، خط باریک قرمز (فرزاد خوشدست)، عالیجناب (سجاد ایمانی) و فرزندان شب (بهروز نورانی‌پور) نامزد دریافت جایزه شدند. همچنین در رشته بهترین پژوهشگر، آنها (رضا عبیات)، تنها چند متر (حجت طاهری)، رویای سیاه (اُرد عطارپور)، زمستان است (مهرداد زاهدیان)، ناگفته‌های شهر شلوغ (بابک گودرزی‌نژادطهران) و واکَس‌چه (کامران حیدری، سعیده کشاورزی) و در بخش بهترین تدوین، آدور (امیر ادیب‌پرور)، بانو عصمت (محمدرضا اکبری)، جایی برای فرشته‌ها نیست (هایده صفی‌یاری)، خسوف (بابک حیدری)، گلوله‌باران (مرتضی پایه‌شناس) و مهمانشهر (ابوذر حیدری) نامزد شدند.

۳ مستند «چشم‌ها و دست‌ها» به تهیه‌کنندگی پناه‌برخدا رضایی، «خسوف» به تهیه‌کنندگی محسن استادعلی و مسعود زارعیان و «گلوله‌باران» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم بخش ملی این جشنواره شدند.

سینما حقیقت
جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران